



تراختور چی لارا تبریک، تبعیض، تبعیض است.

مقاله و طرح از: سودابه اردوان

زنان آذربایجان با شرکت خود برای تماشای مسابقه فوتبال گل را وارد دروازه رژیم کردند. دست مریزاد.

این یک واقعیت است که رژیم باخت واقعی خود را زمانی می بیند که زنان به همراه دیگر توده های ستمدیده بند های اسارت خود را پاره کرده و دوش به دوش مردان خود وارد میدان مبارزه می شوند. به عبارتی دیگر نیمی از اسیران رژیم که با عباراتی چون غیرت و ناموس به کنج خانه ها رانده شده اند جرأت می کنند و با پاره کردن این زنجیرهای اسارت پا به صحنه اجتماع و مبارزه می گذارند. تاریخ را به یاد بیاوریم در سال هزار و سیصد بیست چهار یعنی آن دوران یک ساله ای که آذربایجان استقلال خود را باز یافت زنان یکی از مهمترین نیروی های سازنده جامعه بودند.

هم اکنون زنان آذربایجان به همراه بقیه مردم خواهان کسب هویت ملی و واقعی خود هستند. واقعیت اینست که برقراری یک جامعه دمکراتیک بدون احقاق حقوق حقه زنان و حقوق ملی کل جامعه امکان پذیر نیست. هرگونه تبعیض، تحقیر و فقر در سرزمینی که در آغوش خود ثروت های بیشمار دارد محکوم شمرده میشود.

ما زنان در آذربایجان بنای آن را داریم که باز هم به شما گل بز نیم نه تنها در میدان فوتبال تان بلکه در قلب جامعه ای که زندگی انسان ها را محکوم به فنا کرده اید، ارزش های تاریخی و ادبی و فرهنگی شان را ممنوع کرده اید و هرگونه تلاش برای پیشرفت و آزادی را جرمی بزرگ به حساب آورده اید. ما با شرکت خود در تشویق تیم تراکتور سازی نه تنها تیم محبوب خود را تشویق می کنیم بلکه هویت لگد مال شده خود را فریاد خواهیم کشید، حضور خودمان را به عنوان یک زن به هر شکل که شده در عرصه اجتماع و برابر با همه آحاد اجتماع اثبات خواهیم کرد. اگر به ورزشگاه راهمان ندهید فریاد خود را در مسیر ورزشگاه تا دم استادیوم بلند خواهیم کرد. می دانیم که ترس تان از بهم پیوستن همین فریادهاست. همچنین خوب می دانیم روزی فروش زیبای ساوالان را که همانا فروش مردم ستمدیده است خواهیم شنید. (ساوالان المیه جاخ اده جک قانی نا قان) ساوالان نخواهد مرد و حقشان را کف دستشان خواهد گذاشت. در آخرین مسابقه فوتبال نشان دادید که حتی حضور ما زنان را در اطراف استادیوم تحمل نمی کنید مردم آذربایجان حرمت و احترام خود را به زنان شرکت کننده با شعار (ترک باجیمیز خوش گلدین) نشان دادند و شما مزدوران جمهوری اسلامی به اسم غیرت و ناموس به زنان شرکت کننده فحش های رکیک دادید. این است تفاوت ما و شما.

راستی چرا آنقدر عصبانی بودید؟ زنان و دختران را کیلومتر ها دور از استادیوم دستگیر می کنند توگویی این زنان به حریم مردانه جمهوری اسلامی تجاوز کرده اند. همه ما نیک می دانیم که تمامی توجیبات اخلاقی آقایان در درجه اول فقط برای نشان دادن ما زنان در کنج خانه ها و رهایی از نیروی اعتراض ماست و در درجه دوم و در حقیقت این توجیبات دروغ هایی شرم آور با بوی تعفن تبعیض جنسی و تحقیر زنان بشمار می آید.

حکومت مرد سالار و شونیسم و ضد بشر جمهوری اسلامی از آزاد شدن نیروی ما زنان وحشت دارد. سالهاست ما زنان آذربایجانی علاوه بر تبعیض ملی گرفتار حصارهای تنگ و تاریک به اسم اخلاق، ناموس و از این خزعبلات هستیم. این سلاحی است که برای عقب نگه داشتن زنان در اکثر جوامع عقب افتاده استفاده می شود. با بالا رفتن آگاهی در سطح جامعه این سلاح کارایی خود را از دست می دهد و ظالمان و قداران جامعه دستگیری و زندان را جایگزین و عذ و گفتار بی مایع شان می کنند. ما زنان

برای احقاق حقوق خود نه تنها مرد ها را دشمن خود نمی دانیم بلکه به نیرو و اتحاد تمامی مردان آزاداندیش و برابری طلب نیازمندیم. این ما هستیم که در طول زمان متحد خواهیم شد و قدرت پیدا خواهیم کرد و صاحب حقوق بلاشرط انسانی مان خواهیم شد.

آیا واقعا شما که انسان ها را بنا به حق طلبی شان به زندان می کشید و شکنجه می کنید با بازپس گرفتن نیروی سرکوبتان چه دارید که با آن زندگی کنید؟ آن چه که مسلم است اینست که شما سرکوبگران مردم تنها چیزی که برایتان باقی می ماند همان ثروت مردم زحمتکش است که در طی این چند سال به نسبت های متفاوت بین خود غارت کرده و صاحب شده اید، اما زهی خیال باطل چون زمانی که گرفتار خشم مردم شوید بدون شک به موجودات ترحم انگیزی تبدیل خواهید شد که باز هم ما بنا به اعتقادات انسانی مان از شما انتقام خواهیم گرفت و اجازه خواهیم داد با کوله باری از شرم به زندگی نکبت بار خویش ادامه دهید و به استقبال مجازات در خورتان بروید.

اگر به ورزشگاه راهمان ندهید تا دم در ورزشگاه خواهیم آمد. اگر همین را هم تاب نیاورید نه اینکه ما تلاشمان را قطع خواهیم کرد بلکه این شماست که به عینه نشان می دهید اساسا وجود ما زنان را در خانه در آشپز خانه و اتاق خواب خود لازم دارید یعنی زن را فقط به عنوان برده قبول دارید و آنچه را که دم از اخلاق و مذهب و غیرت می زنید دروغی بیش نیست. ما انسان بودن خود و حقوق مسلم خود را در تمام ابعاد آن می خواهیم. ما آنچه را که مربوط به هویت ملی و فرهنگی مان است زنده خواهیم کرد. و ما به عنوان زنان، یعنی نیمی از جمعیت جامعه خواهان حقوقی برابر در جامعه خود هستیم و فکر می کنیم دوران تبعیض ها و سکوت ها به پایان رسیده و لزوما تا گرفتن خواسته هایمان امکان نفس راحت را بر همه زورگویان تنگ خواهیم کرد.

اگر ما را از نیمه راه و از لذت تماشای فوتبال این پیش پا افتاده ترین حق انسان ها بر می گردانید ما همان روز را تنها بخاطر قدرتی که در خود حس می کنیم و متقابلا ترس و نکبتی که در شما می بینیم جشن خواهیم گرفت و برای بکار انداختن این قدرت بزرگ خود منتظر برگزاری مسابقه ای دیگر خواهیم بود.

سودابه اردوان
2010-04-22

با " ائلمیرا نظری " از بازداشت شدگان دیدار تیم های تراکتور آذربایجان و پیروزی تهران استادیوم _

سهند

تبریز سسی : مصاحبه مکتوب با خانم ائلمیرا نظری دانش آموز 18ساله ، از دستگیر شدگان روز مسابقه تیمهای فوتبال تراکتور آذربایجان و پیروزی تهران در تبریز

سوال : چطور شد شما دستگیر شدید؟

جواب : ما روز جمعه به همراه خانواده پدر، مادرم فاطمه خسین زاده و برادرم امیر ارسلان 12 ساله و تعدادی زیادی از خانمها که از شهرهای مختلف از جمله مشکین شهر- اهر، زنجان، اردبیل ، تبریز و... جهت تماشای فوتبال تراکتور سازی تبریز و پیروزی تهران به بالای تپه های مشرف به استادیوم ورزشگاه یادگار امام تبریز رفته بودیم که در ساعت 1720 توسط لباس شخصیها دستگیر شدیم.

چون در ایران خانمها برای تماشای فوتبال حق ورود به استادیوم را ندارند لذا ما برای تماشای فوتبال به تپه های مشرف به استادیوم برای حمایت از تیم تراکتور سازی که میدانی برای خواسته های مدنی از جمله تحصیل به زبان مادری



واعتراض به تبعیضات آشکار دولت نسبت به مناطق ترک نشین و وضعیت اسفبار اقتصادی مناطق آذربایجان و... است رفته بودیم.

سوال : نحوه برخورد نیروهای امنیتی و انتظامی با شما چطور بود؟

جواب : در هنگام دستگیری لباس شخصیهایی خیلی خشن و با حرفهای توهین آمیز ، رکیک و به دور از شان و منزلت انسانی، اجتماعی که ادب اجازه نمیدهد آنرا به زبان بیارم ما را مورد تحقیر و تمسخر قرار می دادند. بعد توسط نیروی انتظامی به کلانتری 22 منتقل شدیم در آنجا نیز بیش از قبل توسط درجه دارن و سربازان با حرفهای توهین آمیز و زننده شخصیت و خانواده ما را تحقیر کردندو چنان سرما، فریاد می زدند که انگار ما یک جانی هستیم بیشتر خامها از وحشت جیغ و فریاد می کشیدند و به ما می گفتند شما بی حیا هستید آقایان شما بی غیرت هستید که شما را بین این همه مرد میبرند. از کلانتری ما را به امنیت اخلاقی منتقل کردند محلی که زنان فسادااخلاق را به آنجا می برند مگه چه کاری انجام داده بودیم که را به آنجا بردند؟

سوال : شما را بعد از دستگیری به کجا منتقل کردند؟ آیا افرادی دیگری هم به غیر از شما دستگیر شده بودند؟

جواب : ما را بعد از دستگیری به کلانتری 22 امامیه تبریز بردند و بعد از آن همه خانمها را در آنجا جمع کردند به امنیت اخلاقی منتقل کردند حدود 30 نفر خانم و تعدادی کودک و نوجوان دستگیر کرده بودند در بین آنها چند نفر خانم معلم، کارمند، محصل ، دانشجو و خانه دار از شهرهای مختلف تالش، زنجان، اردبیل، مشکین، اهر، زنجان و تبریز و... بودند.

سوال : شما را به چه اتهامی دستگیر کرده بودند؟ و چه سوالاتی از شما می پرسیدند؟

جواب : ما را به خاطر تماشای فوتبال از کوه و تپه دستگیر کردند! و در آنجا سوالاتی از قبیل: شما با تحریک چه کسانی به آنجا رفته بودید؟ آیا ماهواره دارید؟ به تحریک کدام کانال سیاسی در آنجا حضور داشتید؟ با چه کسانی در آنجا بودید؟ بعد در آنجا فقط اسم خانمهای جوان را به گردنشان آویزان کردند و عکسهای مختلف از آنان گرفتند.

سوال : چگونه شما آزاد شدید؟

جواب : ما در ساعت 2200 مورخه 89/01/27 روز جمعه به قید ضمانت آزاد شدیم و گفتند هر احضار کردیم بایستی در اسرع وقت خودتان را معرفی کنید.

http://www.tebrizsesi.com/site/index.php?option=com_content&view=article&id=915:--q---q&-----catid=23:1388-10-19-21-17-03&Itemid=38